بسم الله الرحمن الرحیم

نماز و آثار و فوايد آن 1390-8-1

نماز و آثار و فوايد آن (1)

نویسنده: آيت الله جوادي آملي

بحث پيرامون عظمت نماز و فوائد نماز و همچنين اشاره به آثار سوء ترك نماز يا آثار سوء بدنمازي است و عصاره اين بحث در سه فصل خلاصه مي‌شود:

فصل اول: آنچه كه به انبياء و اولياء ـ عليه السّلام ـ رسيده است و سيره آنها از طرف قرآن كريم تبيين شد.

فصل دوم: درباره منافع نماز و فوائد سودمند نماز و عظمتي كه اسلام براي نماز و نمازگزار قائل است.

فصل سوم: عواقب وخيم تاركان نماز يا تضييع كنندگان نماز يا كساني كه نماز را به بي‌حرمتي مي‌گيرند و براي آن ارجي قائل نيستند.

فصل اول:

انبياء ابراهيمي ـ عليه السّلام ـ با نماز مأنوس بودند چه اينكه قبل از ابراهيم خليل ـ عليه السّلام ـ هم با نماز محشور بودند ولي آنچه فعلاً در روي زمين حكومت مي‌كند دين ابراهيمي است و پيروان انبياء ابراهيمي‌اند كه موحدان زمين را تشكيل مي‌دهند، ذات اقدس الله درباره‌ي خليل خود ابراهيم مي‌فرمايد: مهمترين خواسته خليل حق اين بود كه خدايا مرا اقامه كننده نماز قرار بده و همچنين ذريه مرا برپا دارنده نماز بساز «رَبِّ اجْعَلْني مُقيمَ الصَّلوةِ و مِنْ ذُرِّيَّتي» چه اينكه فرزند خود را وقتي در كنار كعبه به وديعت الهي سپرد عرض كرد پروردگارا من اينها را در اين وادي غير ذي‌زرع نهادم.«رَبَّنا لِيُقيمُوا الصَّلوةَ فَاجْعَلْ اَفئدَةً مِنَ النّاسِ تَهْوي اِلَيْهِم» براي اينكه از كنار خانه وحي، اقامه نماز آغاز بشود و اين اقامه نماز با ذريه من انجام بگيرد من اينها را به وديعت در كنار خانه تو به صاحب‌خانه سپردم تا هدف اينها كه اقامه نماز است محقق بشود. همين دعا و دعوت خليل حق در ذريه‌اش جلوه كرد.

يكي از ذراري برجسته حضرت ابراهيم موساي كليم است كه آغاز وحي او با دستور نماز شروع مي‌شود وقتي خدا به موساي كليم وحي فرستاد و فرمود آنچه را كه بر تو تلاوت مي‌شود استماع كن و بدان «اِنَّي اَنَا الله لا اِلهَ اِلاّ اَنَا» آنگاه فرمود «اَقِمِ الصَّلوةَ لِذِكري» نماز را براي احياي ياد من اقامه كن.

وقتي نوبت به عيساي مسيح ـ عليه السّلام ـ مي‌رسد معرفي قرآن درباره عيساي مسيح اين است كه عيسي فرمود:«وَ اَوْصانِي بِالصَّلوةِ وَ الزَّكوةِ ما دُمْتُ حَيّاً» يعني من تا زنده‌ام با نمازم وقتي هم كه رحلت كردم باز با نماز در آن عالم هستم. يكي از انبياء ابراهيمي، اسماعيل صادق الوعد است كه يك سيره خاص و مخصوص به خود دارد. قرآن كريم در تبيين سيره آن حضرت مي‌فرمايد:«وَ كانَ يَأمُرُ اَهْلَهُ بِالصَّلوةِ» يعني نه تنها خود نماز را اقامه مي‌كرد بلكه اهلش را به اقامه نماز امر مي‌كرد.

نوبت به وجود مبارك پيامبر ـ صلي الله عليه و آله ـ كه رسيد خدا به او فرمود:«وَ أمُرْ‌ اَهلَكَ بِالصَّلوةِ وَ اصْطَبِر عَلَيْها» و آيه «اَقِمِ الصَّلوة لِدلُوكِ الشَّمس اِلي غَسَقِ الليْل» كه خطاب مستقيم به پيامبر ـ صلي الله عليه و آله ـ است و شامل امت اسلامي مي‌شود نماز پنج وقت را از دلوك شمس الي غسق الليل كه چهار نماز است « اِنَّ قُرآنَ الْفَجر كانَ مَشْهوداً» كه پنجمين نماز است يعني نماز صبح. وقتي اين فرايض پنج‌گانه را به جا آوردي نوبت به نافله مي‌رسد كه اين نافله براي تو تنظيم شده است به عنوان وجوب گرچه براي ديگران براي ديگران نافله است فرمود:«وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَةً لَكَ» اين تهجد امر است وامر لزومي نه اينكه براي تو مستحب است نافله يعني زائد، يعني يك واجد زائدي است بر تو. گرچه براي ديگران امر نيست اما براي تو امر خاصي مقرر شده است. باري درباره رسول اكرم ـ صلي الله عليه و آله ـ هم اين چنين مسئله نماز را ترسيم كرده است.

درباره رسول اكرم ـ صلي الله عليه و آله ـ رسيده است كه در جلسات علمي يا غير علمي مي‌نشست و سخن مي‌گفت و سؤال مي‌كرد و جواب سؤال مي‌داد و خلاصه مسائل را به عرض حضرت مي‌رساندند، اما همين كه موقع نماز فرا مي‌رسيد، «اِذا حَضَرتِ الصِّلوةُ كَاَنَّهُ لا يَعْرِفُهُمْ و لا يَعْرِفُونَهُم» مثل اينكه حاضري را نمي‌شناخت و حاضران هم او را نمي‌شناختند، اهميت نماز طوري در حضرت اثر مي‌كرد كه فوراً جلسه رسمي را ترك مي‌كرد و به نماز مي‌پرداخت. بعداً ممكن بود آن جلسه را ادامه دهد. اين بر اثر آن گرايش به نماز است كه از راه وحي تصعيدي نصيب اينها مي‌شود كه اينها از ياد حق لذت مي‌برند. پس انبياء ـ عليهم السّلام ـ آنچنانند و ائمه ـ عليهم السّلام ـ اين چنينند و پيروان اينها هم كه مؤمنين راستيند اينها هم همين راه را طي مي‌كنند.

وقتي مؤمنين را قرآن معرفي مي‌فرمايد:«قَدْ اَفْلَحَ المُؤمِنونَ الَّذينَ هُم في صَلاتِهِم خشِعُون» يا «اِنَّما المُؤمِنون الَّذينَ آمَنوا بِاللهِ و رَسُولِهِ وَ اَقامُوا الصَّلوةَ» اولين وظيفه عبادي كه بعد از اعتقاد ديني ذكر مي‌شود درباره مردان باايمان همان نماز است بعد مسئله زكوة و ساير فروع دين گاهي مطرح مي‌شود و اين مؤمنين از آن جهت كه جزء پيروان راستين انبياء و اولياءاند گويا نماز بر اينها واجب شده است. يعني قرآن تعبيري درباره نماز بر مؤمنين دارد كه مشابه آن تعبير را درباره نبوت براي مؤمنين يا هدايت براي متقين دارد. توضيح مطلب اين است كه با اينكه قرآن نماز را بر همه واجب كرده است مسئله اقامه نماز بر هر مكلفي واجب است ولي درباره خصوص مؤمنين فرمود:«اِنَّ الصَّلوة كانَتْ عَلَي المؤمِنينَ كِتاباً مَوْقُوتاً» نماز براي مردم باايمان يك امر تثبيت شده است. مثل اينكه درباره نبوت هم آمده كه«ما اَرْسَلناكَ اِلاّ كافَّةً للنّاسِ» يا در آيه‌اي ديگر «و ما اَرْسَلْناكَ اِلاّ رَحْمَةً للْعالَمينَ» ولي در مورد بهره‌مندان از رسالت و نبوت، نام مردان با ايمان را ياد مي‌كند كه در سوره آل عمران فرمايد: «لَقَدْ مَنَّ اللهُ عَلَي الْمُؤمنين اِذْ بَعَثَ فيهم رَسُولاً مِنْ اَنُفُسِهِم» مشابه آن تعبيري است كه درقرآن كريم درباره قرآن فرمود: «شَهْرُ رَمَضان الّذي اُنْزِلَ فيه الْقُرآنُ هُديً للنّاس» معذالك فرمود« الم ذالِكَ الكِتابُ لا رَيْبَ فيهِ هُديً للمُتَّقين» با اين كه همه مردم موظفند از قرآن بهره ببرند اما چون مردان پرهيزگار طرفي مي‌بندند فرمود: قرآن براي هدايت متقيان است.

بخش دوم

قرآن فوائد فراواني براي نماز ذكر مي‌كند. مي‌فرمايد: «اِنَّ الصَّلوةَ تَنْهي عَنِ الفَحْشاءِ وَ المُنكَر» نماز جلوي زشتي را مي‌گيرد زيرا طهارت هست شرايط و عادات و آدابي دارد. حليّت مكان مي‌طلبد و حليت لباس مي‌طلبد. طهارت مكان مي‌طلبد و طهارت لباس مي‌طلبد.

بعضي شرطند، بعضي شطرند (جزءاند) بعضي وجوبي، بعضي ندبي، بعضي عنوان ادب و دستور و سنّت. اين مجموعه، نماز را مي‌سازد البته چون جهان طبيعت، جهان تأثير و تأثر متقابل است همان طور كه «اِنَّ الصّلوةَ تَنْهي عَنِ الفَحْشاء وَ المُنْكَرِ» اِنَّ الفَحْشاءِ هم تَنْهي عَنِ الصَّلوة كسي كه اهل فحشاء و منكر است توفيق خواندن نماز ندارد. اينها يك تضاد متقابل دارند ممكن نيست كه نماز جلوي فحشاء را بگيرد ولي فحشاء اثر منفي در مورد نماز نگذارد. همان طوري كه نمازگزار از فحشاء منزه است، انسان فحاش يا فاحش يا بدعمل هم توفيق انجام نماز را ندارد. اين اولين فايده‌اي كه قرآن كريم براي نماز ذكر مي‌كند و فايده اخلاقي، اجتماعي، سياسي، اقتصادي، همه اين منابع را در سوره مباركه معارج مي‌توانيد بيابيد اين سوره معارج در مكه نازل شده سخن از زكوة فقهي نبوده، چون زكوة فقهي مصطلح در مدينه واجب شده، ولي سوره مباركه معارج كه سوره مكّي است فرمود :«اِنَّ الانسانَ خُلِقَ هَلُوعاً اِذا مَسَّهُ الشَّرُ جَزُوعاً وَ اِذا مَسَّهُ الخَيْرُ مَنُوعاً اِلاّ المُصَلّين» اين هلوع بودن، جزوع بودن،بي قرار بودن، منّاع خير بودن، خير و بركات را براي خود خواستن، خير را توسعه ندادن، شرح صدر نداشتن، جزع را تحمل نكردن و خير را براي ديگران طلب نكردن، اينها جزء رذايل اخلاقي است كه هر بخشي براي خود آثار سوء آن بخش را دارد. بخش مربوط به تورم و احتكار و گراني، تطفيف و كم فروشي و بخشي هم در مسائل سياسي است كه اگر يك حادثه تلخي آمد به گروه‌هاي ديگر وابسته مي‌شود، جزع مي‌كند، بي صبري نشان مي‌دهد. اگر همه اينها تحليل شود تمام رذايل اخلاقي و اجتماعي مانند آن از آن استنباط مي‌شود. فرمود انسان طبيعتاً اين چنين است، گرچه فطرتاً موحد است، فطرت انسان البته حق‌خواه و حق‌طلب است كه «فِطْرَةَ اللهِ الَّتي فَطَرَ النّاسَ عَلَيْها لا تَبديلَ لِخَلْقِ اللهِ» اما طبيعت انسان كه «اِنّي خالِقٌ بَشَراً مِنْ طينٍ» مبتلا به رذايل اخلاقي است اين جنبه «طين لاذب» بدون «حَمأمَسْنُون» بودن،«سلسال» بودن و امثال ذلك اين رذايل طبيعت و ماده را به همراه دارد. بنابراين انسان طبعاً هلوع است گرچه فطرتاً موحد و خيرخواه.

نماز به انسان مي‌گويد حقوق ديگران را نگير، بلكه با خدا رابطه پيدا كن، و وقتي با خدا رابطه پيدا كردي رزق را از او مي‌طلبي و اين «نعبد»گفتن و متكلم مع الغير آوردن و دعاها را به صورت متكلم مع الغير ذكر كردن و خير ديگران را خواستن و ديگران را در خير خود سهيم دانستن ايجاب مي‌كند كه انسان در مسائل اقتصادي هم ديگران را فراموش نكند.

اين ديني كه دستور مي‌دهد در سحرها برخيز و چهل مؤمن را لااقل دعا كن، دستور روز هم اين است كه حداقل چهل مؤمن را دستگيري بكن، مشكلات چهل مؤمن را هم برطرف بكن. اين دستور شبانه براي تهذيب روزانه است. باري بسياري از فضايل اخلاقي را در سوره معارج به بركت نماز تبيين مي‌كند و بسياري از رذايل اخلاقي را به بركت نماز مي‌زدايد، فرمود اينها كساني هستندكه تن به تباهي نمي‌دهند و از زهد معنوي برخوردارند.

فايده ديگري كه ذات اقدس الله براي نماز ذكر مي‌كند در سوره مباركه حمد بيان شده است: اين كه بگوييد «ِايّاكَ نَعْبُدُ و اِيّاكَ نَسْتَعين» اما راه استعانت را هم مشخص كرده است. فرمود:«وَ اسْتَعينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاة ...» شما اگر بخواهيد از مدد غيبي برخوردار باشيد به وسيله نماز از خدا استعانت كنيد. خدايي كه خير معين است و خير معاون، به اعانت شما توجه مي‌كند، پس نماز بهترين رابط است بين خلق و خالق و عبد و مولي كه از اين راه فيض مولي به خلق و عبد برسد از اين جهت فرمود:«وَ اسْتَعينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ وَ اِنَّها لَكَبيرَةٌ اِلاّ عَلَي الخاشِعينَ»

منبع:نماز زيباترين جلوه‌ نيايش، ص